

گزارش

برندگان و بازندگان احتمالی بازگشت ایران

بازار نفت ایران پس از رفع تحریم ها

در شرایطی که حالا چهار دور از مذاکرات ایران و آمریکا برگزار شده و بسیاری هنوز امید به برگزاری دور پنجم دارند، اما بازار جهانی نفت در سال ۲۰۲۵ با وضعیت شکننده‌ای از رشد تقاضا، عرضه فراوان و تنش های ژئوپلیتیکی مواجه است. این وضعیت نیز در حالی است که بانک جهانی پیش بینی می کند قیمت نفت برنت به ۷۲ دلار در هر بشکه برسد. ایران، اما به رغم تحریم ها، با تولید ۳/۲ میلیون بشکه در روز و ادامه صادرات آن هم عمدتاً به چین، جایگاه خود را حفظ کرده است. مذاکرات اخیر ایران و آمریکا می تواند با رفع احتمالی تحریم ها، عرضه جهانی نفت را افزایش داده و جایگاه کشور را در این بازار تقویت کند. اکنون، اما در شرایطی که مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا بار دیگر در صدر اخبار رسانه های جهانی قرار گرفته، بازار جهانی نفت در آستانه یک تغییر ژئوپلیتیکی بزرگ است. رفع تحریم های نفتی ایران، در صورت تحقق، تنها یک رویداد اقتصادی نخواهد بود، بلکه نظم بازار نفت را به ویژه در آسیا، دگرگون خواهد کرد و بازیگران کلیدی، چون چین، روسیه و عربستان را با چالش های جدیدی مواجه می سازد. ایران، بازیگری آماده بازگشت در این میان باید توجه داشت که ایران، به عنوان یکی از بازیگران کلیدی بازار نفت، در سال ۲۰۲۵ با فرصت ها و چالش های منحصربه فردی مواجه است. تولید نفت ایران در سال ۲۰۲۴ به ۳/۲ میلیون بشکه در روز و صادرات آن، عمدتاً به چین، به ۱/۶ میلیون بشکه در روز رسید. در همین حال چین، ۸۵ درصد از صادرات ایران را با تخفیف ۵ تا ۱۰ دلار نسبت به برنت جذب می کند. از طریق روش های غیرمستقیم مانند انتقال کشتی به کشتی، شریک اصلی تجاری کشور باقی مانده است. از سوی دیگر باید توجه داشت که تحریم های آمریکا همچنان مانع دسترسی ایران به بازارهای جهانی، سیستم بانکی بین المللی و فناوری های پیشرفته است و تولید را در معرض خطر کاهش قرار داده و در صورت تداوم وضعیت کنونی، تولید ایران ممکن است به ۲/۵ میلیون بشکه در روز برسد، اما نشدنی تحریم ها یا کاهش تقاضای چین می تواند صادرات را به ۱/۲ میلیون بشکه محدود کند. اما باید توجه داشت که در مقابل، رفع تحریم ها، مثلاً از طریق احیای توافقی هسته‌ای یعنی برجام و یا توافق تازه با آمریکا نیز شاید می تواند تولید را ظرف ۱۲ تا ۱۸ ماه مشروط بر سرمایه گذاری ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلاری، به ۲/۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. مصرف داخلی کشور در حال حاضر، حدود ۱/۹ میلیون بشکه در روز است و این مصرف نیز به دلیل یارانه های سنگین سوخت و هزینه سالانه ۸۰ میلیارد دلار، فشار سنگینی بر بودجه دولت وارد می کند. ظرفیت پالایشی ۲/۲ میلیون بشکه‌ای، با وجود پیشرفت هایی مانند پالایشگاه ستاره خلیج فارس، به دلیل زیرساخت های قدیمی محدود است.

برندگان و بازندگان احتمالی

در همین حال تنش های منطقه‌ای، به ویژه با اسرائیل، ممکن است تهدیدی برای زیرساخت های نفتی ایران باشد. با این حال، ایران با روابط عمیق با چین، از جمله قرارداد همکاری ۲۵ ساله و استفاده از فناوری های بومی، تولید را تا حدی حفظ کرده است. وابستگی ۲۵ درصدی بودجه کشور به نفت، مارا در برابر کاهش تقاضای جهانی آسیب پذیر می کند و تنوع بخشی به بخش گاز و پتروشیمی، به دلیل تحریم های آمریکا، دشوار است. اما بازگشت کامل ایران به بازار نفت می تواند قیمت های جهانی را ۵ تا ۷ دلار کاهش دهد، اما صادرات کنونی تأثیر محدودی بر بازار دارد. این شرایط در حالی است که این تأثیر شاید ساده ترین تأثیر ایران بر بازارهای جهانی بود. در صورت رفع تحریم ها، ایران می تواند در کوتاه مدت روزانه حدود ۱ تا ۱/۵ میلیون بشکه نفت به بازار جهانی تزریق کند و این ظرفیت، با توجه به شرایط فعلی عرضه و تقاضا، می تواند منجر به افزایش رقابت میان تولیدکنندگان و فشار بر قیمت ها شود. بازار به شدت به بازگشت ایران حساس است، چرا که این بازگشت می تواند روندهای تجاری و سیاسی را به شکل جدی تغییر دهد. کمترین که دستکم سه کشور چین و عربستان و روسیه به طور مستقیم از رفع تحریم های ایران تأثیر می گیرند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

ایران پس از لغو تحریم ها

در صورت لغو تحریم های ایران، می توان سه سناریوی کلیدی را برای آینده بازار نفت تصور کرد که در ادامه به آن می پردازیم: سناریوی اول، بازگشت سریع و پر قدرت ایران؛ اول این که در این حالت ایران با تمام توان وارد بازار می شود، صادرات رسمی خود را به سرعت از سر می گیرد و با ارائه تخفیف های بالا، سهم خود را از بازار پس می گیرد. این سناریو بیشترین آسیب را به روسیه و عربستان وارد خواهد کرد و می تواند قیمت نفت را تا سطح ۶۰ دلار نیز کاهش دهد. سناریوی دوم، بازگشت تدریجی با هماهنگی اوپک؛ در این سناریو ایران به عنوان عضو اوپک، در چارچوب توافق با سایر تولیدکنندگان بازمی گردد. در این حالت، بازار نفت شاهد تنش کمتری خواهد بود، ولی همچنان رقابت در بازار آسیا افزایش می یابد.

شنبه ۰۳ • ۰۳ • ۱۴۰۴ شماره ۲۱۱۵ سال هشتم ۲۶ ذی القعدة ۱۴۴۶ / ۲۴ می ۲۰۲۵

غلامرضا انصاری در گفت وگو با «آرمان ملی»:

مدیران ناکارآمد دولت را از اصلاحات باز می دارند



مدیران پایدارچی دولت با دعا و نذر قصد حل

مشکلات را دارند

آرمان ملی- احسان کرمانشاهی: چند هفته دیگر یک سال از عمر چهارساله دولت پزشکیان خواهد گذشت و به نظر می رسد مهلت برای رئیس جمهور به منظور به نتیجه رساندن ایده وفاق در حال اتمام است. چراکه اگرچه او از نماینده جریان اصلاحات در انتخابات بود اما مسیر دیگری را در انتخاب کابینه خود پیمود و بسیاری از اصولگرایان را که عامل ناترازی های موجود کشورند به کابینه خود دعوت کرد. در انتخاب استانداران نیز چنین شد و بخشی از مخالفان تغییر و تحول در عرصه سیاست داخلی و خارجی هم اکنون در دولت پزشکیان که با شعار تغییر از مردم رای گرفت: در حال مدیریت بر مردمی هستند که به یک دلیل به مسعود پزشکیان رای دادند و آن موضوع تغییر در سیاست داخلی و خارجی برای بهبود جایگاه کشور در جهان بود. البته پزشکیان در این مدت دستاوردهای خوبی داشته است. با رفع محدودیت از واتساپ رخنه پاریکی در دیوار ستبر فیلترینگ ایجاد شد، اما دیگر خبری از رفع فیلتر سایر شبکه های اجتماعی نیست. در عرصه سیاست خارجی

مسعود پزشکیان حدود ۷ ماه است که ریاست جمهوری ایران را عهده دارد در این مدت او تا چه اندازه توانسته به سمت تحقق شعارهای خود حرکت کند؟

برای حرکت اجرایی مطلوب، نیاز به برنامه وجود دارد و یک برنامه، زمانی می تواند عملیاتی شود که متصديان امورکه مسئول اجرای برنامه هستند ایمان و التزام واقعی به اجرای بند های آن برنامه داشته باشند. مسعود پزشکیان در یک شرایط اضطراری رئیس جمهور ایران شدند. در آن شرایط رئیس جمهوری قبلی بر اثر سقوط بالگرد به رحمت ایزدی پیوسته بود و در یک زمان کوتاه بعد از مرحوم رئیسی آقای پزشکیان با توجه به نگرانی که مردم از رقبای ایشان داشتند مورد اعتماد مردم قرار گرفت. آقای پزشکیان در تبلیغات انتخاباتی خود بحث تغییر و اصلاحات را مطرح کرد. او به چالش هایی که نیروهای انحصارطلب در امور کشور ایجاد کردند، اشاره نمود و امیدها را برای بهبود اداره کشور افزایش داد. او در شرایطی رئیس جمهور شد که به نام یک دست سازی قدرت افراد ناتوان، بی تجربه و بدون تخصص با شعار انقلابی گری در مصدر امور قرار گرفته بودند. این افراد آن قدر بی تجربه بودند که بخشی از ناترازی های امروز در کشور را با بی تجربگی خود دامن زدند. همه امید داشتند که آقای پزشکیان در بخش های که اختیاردارند تحول نسبی ایجاد کنند اما با انتخاب کابینه شاهد بودیم آن سطح از تحول که لازمه خروج کشور از بحران ها بود ایجاد نشد.

امروز در دولت آقای پزشکیان بخش قابل توجهی از افرادی که سکان دار دولت هستند افرادی هستند که اعتقاد و توسعه و الزامات مرتبط به تغییر و تحول را ندارند

یعنی به نظر شما آنچه پزشکیان اعلام کرد یعنی سیاست وفاق، برای پیشرفت کشور و استفاده از تمامی ظرفیت های مدیریتی؛ نتوانسته دستاورد برای دولت او داشته باشد؟

متأسفانه در قالب شعار وفاق بخش غالبی از سمت های مهم و اثرگذار در جهت پیشرفت کشور و اجرای شعارهای دولت در اختیار رقبای آقای پزشکیان قرار گرفت. امروز در دولت آقای پزشکیان بخش قابل توجهی از افرادی که سکان دار دولت هستند افرادی هستند که اعتقاد و التزامی به تغییر و تحول و توسعه و الزامات مرتبط را ندارند.

برای مشخص شدن این ادعا یک مثال عینی بزنید که وزیر یا استانداری نگاهی به کشورداری دارد که منطق با شعارهای تحول خواهان مسعود پزشکیان، نیست؟

بینید افراد متعددی در دولت وجود دارند که خود را ملزم به اجرای تحول در مدیریت کشور نمی بینند. در تمام جهان زیربنای ایجاد تحول، مساله آموزش است و شان آموزش و تربیت شاید بالاترین موضوع باشد. در کشورهای توسعه یافته شأنی که برای معلم قائل هستند از شان بسیاری از مقامات اجرایی بیشتر است اما در دولت پزشکیان وزیری برای وزارت آموزش و پرورش انتخاب می شود که خود را سرباز نیروهای انتظامی معرفی می کند. در صورتی که افتخار یک درجه دار در تمام دنیا این است که معلمی خوب داشته و او را تربیت کرده است. تفاوت دیدگاه ها اینجا معلوم می شود. این دیدگاه چگونه

armanmeli.ir



نیز به رغم مخالفت های اولیه فرمان مذاکره با آمریکا صادر شده و مذاکرات هم اکنون به خوبی پیش رفته است اما به نظر می رسد وقفه هایی در نتایج آن حاصل شده است. از سوی دیگر یکی از موانع توسعه اقتصاد ایران یعنی عضویت ایران در پاریمو نیز با توجه به لابی هایی که پزشکیان انجام داده رفع شده است و به نظر می رسد پزشکیان درصدد است با چانه زنی هایی که صورت می دهد برخی دیگر از ابعاد شعارهای خود را اجرایی کند اما هنوز سدهایی وجود دارد از جمله حضور برخی عناصر دولت سابق در دولت کنونی که درباره اینکه موفقیت این دولت را بخواهند تردید جدی وجود دارد. با این وجود به نظر می رسد پزشکیان در تحقق شعارهای خود جدی است. اکنون باید دید او در زمینه هسته‌ای به توفیقاتی می رسد یا خیر، «آرمان ملی» در این ارتباط با غلامرضا انصاری فعال سیاسی اصلاح طلب گفت وگو کرده است. او نگاهی منتقدانه به کابینه پزشکیان دارد و معتقد است رئیس جمهور تا این لحظه توفیق چندانی در ایجاد تحول در کشور نداشته است.

اداره کشور در مقایسه با گذشته صورت گرفته است؟ زمانی که انتصابات استانداران و فرمانداران بررسی می کنیم مشاهده می شود که بخش قابل توجهی از مدیران میانی التزامی به شعارهای آقای پزشکیان ندارند و این ضعف دولت آقای پزشکیان است و انتخاب استانداران و فرماندارانی برخلاف رویه دولت و نظر رئیس جمهور موجب می شود که امیدها برای ایجاد تغییر و تحول در اداره کشور از بین برود و همین می شود که در یک استان یا شهرستان پیامک های حجاب به تلفن های مردم سرازیر می شود و مردم با خود می اندیشند که مگر ما رای ندادیم که این رویه حذف شود. پس چرا هنوز چنین اقداماتی صورت می گیرد؟

فارغ از این موارد اما به نظر می رسد عملکرد دستگاه دیپلماسی کشور تا این لحظه در پرورنده هسته‌ای خوب بوده است عملکرد این دستگاه را چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ به این سؤال نیازمند بررسی شرایط کشور است. در حوزه سیاست خارجی ما فرصت های اساسی و استراتژیکی را در ۲۰ سال گذشته از دست داده ایم. این مورد به همه دولت ها بازمی گردد. فرصت توافقی و معاهده سعدآباد در دولت اصلاحات از دست رفت و فرصت های برجام نیز همین طور. این موارد می توانست تا حد زیادی جلوشکل گرفتن چالش های امروز را بگیرد.

برجام در دولت روحانی تصویب شد و رشد اقتصادی سال بعد و همچنین میزان سرمایه گذاری ها مثبت شد اما با معانعت از ورود شرکت های آمریکایی به ایران؛ ترامپ شرایط را به ضرر خود دید. آمریکایی ها زمانی که مشاهده کردند بعد از برجام فضا برای کشورهای اروپایی، چین و روسیه مهیا است اما اجازه ورود چند کشور وی آمریکایی به ایران داده نمی شود؛ طبیعی بود دولت های آمریکایی سنگ اندازی خود را آغاز کنند. امروز هم باید با جدیت مذاکرات توسط وزارت خارجه دنبال شود و از مداخلات افراد غیر مؤثر و غیر مسئول در امور بین الملل اجتناب شود در این صورت دستاورد های دولت اهمیت پیدا می کند.

وزارت نیرو باید برای رفع ناترازی ها برنامه و طرح ارائه دهد که سال آینده به این دستاوردها می رسیم اما مسئولین این وزارتخانه دست به دامان بزرگان دینی کشور می شوند که برای کمبودها چاره‌ای بیندیشند

مذاکرات به نقطه مهم رسیده و بحث در مورد غنی سازی است. آیا ممکن است مذاکرات شکست بخورد؟

ترامپ شخصیت غیر تعاملی و احساسی دارد از سوی دیگر تمایلات اقتصادی وی به جنبه های دیگر شخصیت او می چرید. در آمریکا نیز جریان های مخالف جمهوری اسلامی به خاطر تحمیل دیدگاه نمایندگان به بن بست نباید وقت را از دست می دادیم و باید روی مذاکره متمرکز می شدیم. قبل از اینکه نیروهای اسرائیل و تندروها بتوانند تأثیری بر ترامپ بگذارند شاید امکان تعامل بیشتر بود.

کما اینکه در اوایل مذاکرات ترامپ و نماینده آمریکا در مذاکرات حداقل حقوق هسته‌ای ایران را قبول کرده بودند اما امروز با توجه به فشارهایی که به آمریکا وارد می شود، موضع دیگری گرفته اند. مذاکره قطعا مثبت و از جنگ مطلوب تر است. توان تیم مذاکره کننده نیز در این زمینه قابل توجه است.

سیاست

درهین

چرا آمریکا مجبور به توافق با ایران است؟

به تازگی و بعد از دور چهارم مذاکرات، مقامات آمریکایی با مصاحبه های مختلف تلاش کردند تا آنچه را که در پشت میز مذاکره می خواهند به دست آورند، در مصاحبه های متعدد در قالب خط قرمز برای تیم ایرانی و نیز افکار عمومی ترسیم کنند. اخیرا مقامات آمریکایی از جمله مارکو روبیو، وزیر خارجه این کشور و استیو ویتکاف، مذاکره کننده ارشد آمریکا در مذاکرات هسته‌ای تلاش کرده اند تا با خط قرمز عنوان کردن اصل غنی سازی در خاک ایران، کشورمان را از حق داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای به عنوان یکی از اعضای ان بی تی محروم کنند؛ سخنانی که با واکنش تند ایران روبرو شده و مقامات کشورمان تهدید کرده اند چه با توافق و چه بدون توافق، غنی سازی در ایران ادامه پیدا خواهد کرد. این اظهارات و واکنش مقامات کشورمان سبب شده است تا برخی محافل سیاسی چنین نتیجه گیری کنند که مذاکرات هسته‌ای به بن بست رسیده و طرف ایرانی و آمریکایی به دنبال طرح های جایگزین خود هستند؛ نتیجه گیری که به دلیل وجود برخی شواهد و قرائن چندان درست به نظر نمی رسد و نشان می دهد اظهارات اخیر مقامات آمریکایی صرفا نوعی تاکتیک برای امتیازگیری بیشتری در پای میز مذاکرات است.

از تهدید تا توافق

یکی از مقامات آمریکایی که به تازگی تلاش کرده تا با اظهارات تند، ایران را وادار به دادن بیشترین امتیاز در پای میز مذاکرات کند، مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکاست. روبیو در هفته ای که گذشت تلاش کرد تا با مصاحبه ها و سخنرانی های متعدد، مسأله غنی سازی ایران را مسأله‌ای خط قرمزی از سوی آمریکا بیان کند. روبیو پنجشنبه هفته گذشته در مصاحبه با شبکه آمریکایی فاکس نیز مدعی شد ایران در آستانه داشتن توانایی سلاح هسته‌ای است و تهران به سرعت می تواند ذخایر اورانیوم غنی شده خود را تسلیحاتی کند. او در این مصاحبه همچنین مدعی شد ایالات متحده در لحظات حساسی برای محدود ساختن تلاش های جمهوری اسلامی ایران در توسعه یک سلاح هسته‌ای قرار دارد. او سه روز بعد نیز در شبکه سی بی اس در جواب مجری «مارگارت برنان»، مجری برنامه مدعی شد: «اگر شما قادر باشید در هر سطحی غنی سازی کنید، شما اصولا می توانید به سرعت خیلی سریع تا سطح تسلیحاتی غنی سازی کنید. ایران هرگز نمی تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد.» با این حال او در سخنرانی اخیر خود که روز سه شنبه در جلسه استماع کمیته روابط خارجه سنا بیان می کرد، نتوانست علاقه خود برای دستیابی به یک توافق را پنهان کند و گفت که امیدوار است مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران ادامه یابد؛ هرچند بار دیگر سعی کرد تهدید کند شکست مذاکرات خروجی بدتری دارد.

تلاش ویتکاف

یکی دیگر از مقامات آمریکایی که در هفته ای که گذشت تلاش کرد تا با سخنان خود، ایران را تحت فشار بگذارد، استیو ویتکاف، مذاکره کننده ارشد آمریکایی بود. ویتکاف در تازه ترین مصاحبه خود در روز یکشنبه مدعی شد دولت ترامپ در مذاکرات با ایران خط قرمزی دارد و آن این است که ایران نمی تواند هیچ مقداری از توانایی غنی سازی را حفظ کند. اما یکی از مواردی که نشان می دهد دولت ترامپ با تمامی خط و نشان کشیدنها ی اخیرش، نمی تواند به سراغ گزینه‌ای جایگزین توافق با ایران برود، قراردادهایی است که در سفر اخیرش به منطقه با دولت های عربی به امضا رسانده؛ قراردادهایی که طبق گفته اخیر خود ترامپ ارزش آن به ۵/۱ تریلیون دلار می رسد و شامل صدها هواپیمای پهن پیکر می شود. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا دوشنبه شب به وقت محلی در سخنانی که در میزبانی هیات مدیره مرکز کندی در کاخ سفید انجام شد، گفت که سفرش به خاورمیانه، سفری بزرگ بوده و نتوانسته در این سفر ۵/۱ تریلیون دلار به آمریکا بازگرداند.

ترامپ خواهان توافق است

اما یکی دیگر از نشانه هایی که از تمایل ترامپ برای توافق حکایت دارد، نظرسنجی هایی است که در خصوص این مسأله انجام شده است. اندیشکده بروکینگز روز دوشنبه ۱۹ مه (۲۹ اردیبهشت) در مقاله ای با عنوان «ترامپ آشکار کرده که خواهان توافق با ایران است و بیشتر آمریکایی ها نیز موافق آن هستند» نوشت: تنها ۱۴ درصد از آمریکایی ها از یک اقدام نظامی برای تخریب برنامه هسته‌ای ایران پشتیبانی می کنند. در مقاله اندیشکده بروکینگز آمده است که طبق تازه ترین نظرسنجی دانشگاه پرلیند که دوم مه تا پنجم مه (۱۲ تا ۱۵ اردیبهشت) در میان ۱۰۰۸ نفر از پاسخ دهندگان انجام شده، با ضرب خطای ۳/۷ درصد، بیش از دو سوم پاسخ دهندگان یعنی ۶۹ درصد گفته اند یک توافق مبتنی بر مذاکرات را که بتواند برنامه هسته‌ای ایران را به همراه نظارتی محکم، محدود کند، ترجیح می دهند. تنها ۱۴ درصد از پاسخ دهندگان گفته اند ترجیح می دهند اقدامی نظامی برای انهدام برنامه هسته‌ای ایران انجام شود و مابقی نیز اظهار بی اطلاعی در این زمینه کرده اند. طبق آنچه بالا تر بیان شد، در زمانی که ترامپ یکی از مهمترین سفرهایش به منطقه را انجام داده و دستاورد سفرش، امضای قرارداد هایی به ارزش ۵/۱ تریلیون دلار است که می تواند اقتصاد آمریکا را تکان دهد، و از سوی دیگر، در زمانی که ترامپ حتی از جنگ های غزه و اوکراین اعلام برائت می کند و آن را جنگ اسرائیل و روسیه می نامد و نمی خواهد خود را وارد جنگ دیگری کند و در زمانی که حتی نظرسنجی ها حاکی از آن است که افکار عمومی مردم آمریکا به شدت از ورود آمریکا به جنگی جدید و اهمه دارند و خواهان توافق ترامپ با دولت ایران اند، بسیار بعید به نظر می رسد که آمریکا بخواهد با تمامی این نشانه ها خود را درگیر جنگی تازه در خاورمیانه کند؛ در نتیجه مجبور خواهد بود تا توافقی را با ایران به امضا برساند؛ هرچند دستیابی به این توافق با دشواری ها و پیچیدگی هایی همراه خواهد بود.